

منز نگاه‌های راه کربلا و نجف

حیدر الجد / ترجمه: محمد مهدی رضایی



مقدمه

پس از نهضت عاشورا، خبرهای آن روز و آنچه در کربلا رخ داده بود، دهان به دهان گشت و سیل خروشان شیعیان آل محمد، از هر کوی و برزن، رو به کربلا آوردند، در حالی که نام حسین علیه السلام را زمزمه می‌کردند و جانشان در رثا و سوگواری آل محمد علیهم السلام مترنم بود؛ خاندانی که در دفاع از اسلام و دور کردن آن از دست تجاوز امویان، که قصد بازگرداندن جاهلیت را داشتند، جانهای مطهر خویش را فدا و خون‌های پاک خود را نثار کردند.

با بررسی کتاب‌های تاریخ و سیره و مقاتل، در می‌یابیم که نویسندگان این کتاب‌ها، دربارهٔ اول کسی که قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کرد، گاه یک سخن می‌گویند و

گاه با هم در اختلافاند؛ گروهی بر آن اند که جابر بن عبدالله انصاری و عطیة عوفی اوّل کسانی بودند که پس از شهادت حسین بن علی علیه السلام وارد کربلا شدند و در روز اربعین، آن حضرت را زیارت کردند.

با توجه به مدارک تاریخی، می‌توان گفت که از روز شهادت امام حسین علیه السلام؛ یعنی دهم محرم تا روز اربعین (بیستم صفر)، برخی از شیعیان و خانواده امام علیه السلام قبر او را زیارت کرده‌اند. در بعضی منابع آمده است که امام سجاد علیه السلام روز سیزدهم محرم برای دفن اجساد مطهر وارد کربلا شد و این کافی است که آن حضرت را نخستین زائر به شمار آوریم.

به هر حال، به نظر نمی‌آید که در آن روزگار، مسافرت به کربلا کار آسانی بوده، بلکه فکر اینگونه سفری، خطرهای بسیاری را به ذهن می‌آورد و تهدیداتی برای زائران در پی داشت. نخستین خطر، نیروهای امنیتی حکومت بنی‌امیه بودند که در همه‌جا حضور داشتند و زائران امام حسین علیه السلام را دستگیر می‌کردند و به مقر حکومت می‌فرستادند. در این میان کمتر کسی می‌توانست خود را از دسترس نیروهای امنیتی دور نگاه دارد و به لطایف الحیلی به زیارت قبر امام حسین علیه السلام توفیق یابد.

هدف اموی‌ها از این کار روشن بود. آنان می‌خواستند راه‌های زیارت امام حسین علیه السلام را سد کنند تا کسی ایشان را در کربلا زیارت نکند؛ چرا که این زیارت، به مثابه هم‌پیمانی زائران با امام حسین علیه السلام در مبارزه با ظالمان و حاکمان جور و ستم بود و تهدیدی بزرگ برای حکومت وقت محسوب می‌گردید.

اما از سوی دیگر، ائمه اهل بیت علیهم السلام به زیارت امام حسین علیه السلام اهمیت بسیار دادند و شیعیان را به این کار بر می‌انگیختند و دوستان خود را از جهت فکری و اعتقادی در این زمینه، تجهیز می‌کردند تا آنجا که در کتب دعا و زیارت، بخشی مستقل به عنوان «ثواب زیارت امام حسین علیه السلام با بیم و هراس» وجود دارد که خود نشان از اهمیت و عظمت کار می‌دهد.

ابن بکیر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «وقتی به شهر ارجان^۱ می‌روم، دلم برای زیارت قبر پدرتان بی‌تاب می‌شود، اما چون به راه می‌افتم، از بیم سلطان و گزارشگران و نیروهای امنیتی حکومت، از ادامه راه باز می‌مانم و بر می‌گردم».

امام علیه السلام فرمود:

ابن بکیر! آیا نمی‌خواهی که خداوند تو را در مسأله‌ای مربوط به ما،



خائف و ترسان ببیند! نمی‌دانی هر که به خاطر ما دچار ترس شود، خداوند او را در سایهٔ عرش خود ساکن گرداند و در روز قیامت، از هراس‌های آن روز در امانش دارد در حالی که همگان ترسانند و او راحت و آسوده و هرگاه دچار هراس شود، فرشتگان بشارتش می‌دهند و آرامش می‌کنند؟^۲

این روایت، مشکلات و رنج‌های بزرگ مربوط به زیارت امام حسین علیه السلام را گوشزد می‌کند. آن که در اربعین همراه جابر بن عبدالله انصاری بود، می‌گوید: جابر وعده‌ای از آل محمد علیهم السلام نزدیک قبر امام حسین علیه السلام نشسته بودند که از دور سیاهی‌ای پیدا شد. جابر به من گفت: به طرف آن سیاهی برو و بنگر که کیست. اگر از سپاهیان عمر سعد بود، ما را خبر کن تا در جایی پناه بگیریم و خود را مخفی کنیم.^۳

وضعیت شیعه در طول قرن‌ها به همین صورت بود. در راه زیارت امام حسین علیه السلام از سوی حکومت‌های ظالم، مشکلات و گرفتاری‌های فراوان می‌دیدند و همواره در راه زائران، موانع گوناگون ایجاد می‌گردید.

با روی کار آمدن بنی‌عباس، آن‌ها نیز به سخت‌گیری‌ها و بستن راه‌ها افزودند. هارون الرشید، درخت سدري را که سایبان زائران قبر امام حسین علیه السلام بود، از ریشه در آورد متوکل زمین کربلا را یکسر شخم زد و بر آن آب بست تا نشانه‌های قبر مطهر را از بین ببرد. او به این هم اکتفا نکرد و جاسوس‌ها و نیروهای امنیتی بسیاری گمارد تا زائران قبر امام حسین علیه السلام را در هر راه و مکانی یافتند، دستگیر و از آن‌ها برای مجوز، مبالغ هنگفت و کمرشکن دریافت کنند. با این همه، محبان کوی حسین علیه السلام هر چه اجناس قیمتی و متاع گرانبها به همراه داشتند تا بتوانند قبر شریف را زیارت کنند و دعاها و صلوات‌های خود در کنار مزار امام حسین علیه السلام را ره‌توشهٔ قیامت قرار دهند و با آن‌ها جان تازه‌ای بیابند.

در سال‌های اخیر، با وجود سختی‌ها و ناملازمات، زائران ناگزیر بوده‌اند خود را به تحمل مشقّات گوناگون عادت دهند تا بتوانند به قبر سیدالشهدا برسند و آن را زیارت کنند. این مشکلات، گاه به موضع‌گیری‌ها و سیاست‌های دولت‌های حاکم در عراق نسبت به قضیهٔ امام حسین علیه السلام مربوط می‌شده و گاه به خطرهای طبیعی بین راه، همچون مواجه شدن با حیوانات درنده، به خصوص برای کسانی که از راه‌های دور برای زیارت نجف و کربلا، راهی می‌شدند و می‌بایست در سرما و گرما و شب‌ها و روزها راهپیمایی کنند

تا به مقصد برسند. بنابراین، لازم بود. میان دو شهر نجف و کربلای معلی، منزلگاه‌ها و کاروانسراهایی به وجود آید تا مسافران در آن‌ها بار سفر بر زمین بگذارند و ساعتی استراحت کنند و برای ادامهٔ راه آماده شوند. پس گروهی از اشخاص بلند همت و علمای سخاوتمند و کریم به این فکر افتادند که میان نجف و کربلا منزلگاه‌هایی بسازند و آن را وقف امام حسین علیه السلام کنند تا جایی باشد برای استراحت زائران و در آنجا خدماتی نیز به آنها ارائه شود. این منازل سه‌گانه عبارت بودند از خان مصلا، خان حماد و خان نخيله.

ما این کاروانسراها را دیده و باقی‌مانده‌های آن‌ها را مشاهده کرده‌ایم. بعضی از آن‌ها به کلی از بین رفته و بعضی دیگر، خوشبختانه دست ترمیم و بازسازی به خود دیده، هر چند که توجه چندانی به آن‌ها نمی‌شود.

در این نوشتار اوراق تاریخ این منزلگاه‌ها را مرور می‌کنیم و مطالب ویژهٔ هر کدام را به بررسی می‌گذاریم؛ چرا که این اماکن، پناهگاه زائران امام حسین علیه السلام بوده و شایستهٔ توجه و احترام‌اند:

اصطلاح «خان»

«خان» به معنای دکان یا منزلگاه مسافران است. در «المنجد» آمده است:

خان واژه‌ای است غیر عربی که وارد زبان عرب شده و جمع آن خانات است.^۴

ابن منظور معتقد است:

از واژهٔ خان، دکان یا دکان دار اراده می‌شود و این کلمه فارسی بوده و عربی شده است.^۵

با این حال، در گذشته، این واژه در زبان عرب بسیار به کار رفته و افرادی مانند طبری آن را در نوشته‌های خود آورده‌اند.

شاید پیش از طبری نیز این واژه کاربردهایی داشته است؛ چرا که طبری بدون آوردن معنا و تفسیر واژهٔ «خان» آن را به کار برده و این نشان می‌دهد که معنای آن روشن و بدیهی بوده است.



در راه میان تهران و نجف، ۹۹ کاروانسرا
وجود داشته و سه منزلگاه نیز در راه نجف
کربلا است.

گسترده‌گی کاروانسراها

از آنجا که در گذشته، کاروانسراها نقش مسافرخانه‌های امروزی را داشته‌اند، در شهرهای مختلف، به خصوص شهرهای اسلامی، از این مکان‌ها فراوان بوده و برای پناه دادن به مسافران و مهیا کردن وسیله آرامش و راحتی برای آنان، مورد توجه قرار گرفته است. گفتنی است کاروانسراها بیشتر در راه‌های منتهی به شهرها بوده است. دربارهٔ منزلگاه‌های راه کربلا نجف دو نظریه وجود دارد:

۱. گروهی بر این باورند که بنای کاروانسراهای متعدد در راه کربلا و نجف طبق نیاز مسافران بوده، بدون در نظر گرفتن این مطلب که آیا مسافران به قصد زیارت آن راهی می‌کنند و به این کاروانسراها وارد می‌شوند یا به قصد دیگر. بنابراین نظریه، در این مسیر هر مسافری می‌توانسته از منزلگاه‌های آن استفاده کند و هیچ منعی برای او وجود نداشته است.

۲. گروه دیگر معتقدند برخی از کاروانسراها وقفی بوده و بانیان آن‌ها به هدف زائران عتبات مقدس ساخته‌اند. در مجلهٔ «الأهالی» بحثی دربارهٔ «خان النص» نشر یافته که نویسنده در بخشی از آن می‌نویسد:

«در بررسی و پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیدیم که در راه میان تهران و نجف، ۹۹ کاروانسرا وجود داشته و سه منزلگاه نیز در راه نجف کربلا است.»

نگارنده در سفری به خراسان، برای زیارت امام رضا علیه السلام، منزلی مانند کاروانسرای «النص» دیدم و دربارهٔ آن پرس و جو کردم، گفتند: مخصوص زائران امام رضا علیه السلام است.

طبق نقلی سلسله منزلگاه‌های زیارتی، از بصره آغاز می‌شود، از دیوانیه می‌گذرد تا این که به نجف و آنگاه کربلا و از آنجا به اسکندریه و سپس به بغداد می‌رسد و سرانجام راه‌هایی در سرزمین ایران را پوشش می‌دهد. آنچه این سخن را مَهر تأیید می‌زند، فراوانی زائران ایرانی است که به قصد زیارت عتبات مقدس عراق، راهی می‌شده‌اند و در این راه، به منزلگاه و مکان استراحت نیاز داشته‌اند تا به کربلا برسند.

راه نجف به کربلا

تنها مسیری که تاریخ بر رفت و آمدهای فراوان آن گواه است و آن را از دیگر مسیرهای تردد متمایز نشان می‌دهد، راه نجف به کربلاست؛ راهی پراز مسافران و زائران مشتاق که میان حرم مطهر علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) و فرزند شهیدش امام حسین (علیه السلام)، شکوه و عظمت یک سفر بی‌ظنیر زیارتی را به عالی‌ترین شکل به نمایش می‌گذارد. پیمودن این مسیر، به دو صورت انجام می‌گرفته است؛ به وسیله چهار پایان (پیش از روی کار آمدن وسایل نقلیه جدید) و پیاده. این شکل پیمایش، به خصوص در روزهایی چون اربعین امام حسین (علیه السلام)، شکوهی خاص را ایجاد می‌کرده و هر بیننده‌ای را تحت تأثیر قرار می‌داده است. افزون بر این که پیمودن این مسیر به صورت پیاده، فضیلت و ثوابی ویژه و بسیار دارد.

حسین بن ثویر بن ابی‌فاخته نقل می‌کند: امام صادق (علیه السلام) به من فرمود:

هرکس به قصد زیارت قبر حسین بن علی (علیه السلام) از خانه‌اش بیرون آید؛ اگر پیاده باشد خداوند به هر گام او، حسنه‌ای می‌نویسد و گناهی را می‌آمرزد تا آنگاه که به حرم رسید، خداوند از رستگاران‌ش به شمار آورد. چون اعمال زیارت را به پایان برد، خداوند او را در زمره فائزان می‌نویسد و آنگاه که قصد بازگشت کرد، فرشته‌ای نزد وی آمده، گوید: پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) سلام می‌رساند و می‌فرماید: کار خود را از سر بگیر که گناهان گذشته‌ات آمرزیده شد.^۶

بنابراین حدیث است که علمای بزرگوار شیعه، همواره مردم را به پیاده پیمودن راه میان نجف و کربلا برانگیخته‌اند و بدین کار تشویق کرده‌اند.



گویند: آیت الله سید محمد مهدی بحر العلوم (م ۱۳۱۲ق.) با برخی از ادبا و علما، از نجف به کربلا، پیاده راه افتاد تا این که در یکی از منزل‌های بین راه، برای استراحت توقف کردند. پس از ساعتی چون خواستند ادامه مسیر دهند، آیت الله به خاطر ضعف جسمی و ناتوانی، قادر به حرکت نشد.

پس در وصف حال خود، این دو بیت را سرود:

برای من از فرط ناتوانی هر سرزمین وطن شده است
و اشک جاری من در هر سو زیارتگهی برای من شده است

همچنین مرحوم حاجی نوری صاحب «مستدرک الوسائل» با گفتار و رفتار خود دیگران را به پیاده رفتن برای زیارت قبر امام حسین علیه السلام تشویق و ترغیب می‌کرد. در سال ۱۳۱۹ق. شیخ، چهارپایانی برای حمل بار و وسایل سفر کرایه می‌کند و خود و همراهانش پیاده، در کنار آن چهارپاها، مسافت نجف تا کربلا را می‌پیمایند اما از آنجا که ایشان در هنگام پیروی و ضعف قوای بدنی بوده، نمی‌تواند طی دو روز، این مسیر را طی کند؛ از این رو، سه شب را در کاروانسراهای «خان مصلی»، «خان النصف» و «خان نخيله» به سر می‌برد و در روز چهارم به کربلا می‌رسد. بنابراین، پیاده روی در این سفر زیارتی، از سنت‌های پسندیده و مورد عمل برگزیدگان امت به شمار می‌آید.

شاید بتوان گفت: به طور معمول، سفر از نجف به کربلا، سه شبانه روز زمان می‌برد؛ خواه این مسافت با پای پیاده طی شود، خواه با درشکه‌هایی که حیوانات آن‌ها را می‌کشند و خواه سوار بر چهار پایان.^۷

همچنان که رسم و عادت این بوده، هر گاه شخصیت معروفی از نجف وارد کربلا می‌شده، مردم به استقبالش می‌رفتند و پیش‌آهنگ مستقبلین، بزرگان و علما بوده‌اند و یکی از کاروانسراهای سه گانه، مرکز این استقبال قرار می‌گرفته است و نیز هر گاه پیکر یکی از علما را از نجف به کربلا می‌آوردند، در یکی از خان‌ها مردم به پیشواز جنازه رفته و آن را تا کربلا تشییع می‌کردند. در این مسیر زیارتی، حوادث خونبار متعددی اتفاق افتاده است. در ماه صفر سال ۱۳۹۷ق. حکومت وقت، به دلایل واهی اعلام کرد



که راه نجف به کربلا بسته است و کسی حق ندارد از آن عبور کند. هدف اصلی حکومت، البته جلوگیری از بروز احساسات حماسی و جلوه گر شدن انگیزهای قیام امام حسین علیه السلام در رفتار و گفتار مردمان بود. اما این امر نتوانست عزم مؤمنان را در زیارت قبر سیدالشهدا سست کند. پس با سلاح محبت امام حسین علیه السلام از نجف بیرون آمدند و با شعارهای بلند و نشان گر محبت ابدی به آن حضرت، آغاز به راهپیمایی کردند:

گر بیرند دست و پاهامان
به خدا سوگند ای حسین
با دست و پای بریده می آییم
هرگز فراموش نمی کنیم

و این مسیر را پیمودند و شب اول در «خان مصلی» بیتوته کردند و صبح گاهان به راه افتادند و منزلگاه دومشان «خان النصف» بود. در این کاروانسرا بود که دانستند حکومت نخواهد گذاشت آن‌ها به سلامت این مسیر را بپیمایند و خود را به کربلا برسانند. در «خان نخيله» ناگاه با قوای مسلح حکومت روبه رو شدند، نیروهایی چنان آماده به جنگ که گویی در برابر خود دشمنانی همچون خود مهیای مبارزه می بینند، نه مردمانی عادی که در بین شان پیر و جوان و کودک و زن وجود دارد! درگیری نابرابر

به طور معمول، سفر از نجف به کربلا، سه شبانه روز زمان می برد؛ خواه این مسافت با پای پیاده طی شود، خواه با درشکه‌هایی که حیوانات آن‌ها را می کشند و خواه سوار بر چهار پایان.



آغاز شد و زائران آزاده و بی دفاع، پیروزی‌های محدودی به دست آوردند و برخی توانستند با فرار از میان باغ‌ها و بستان‌ها، خود را به کربلا برسانند. اما گروهی به دست حکومتیان دستگیر شدند و تعدادی از آن‌ها؛ همچون: سید وهاب طالقانی، محمد بلاغی، جاسم ایروانی، نجاج مشهدی، غازی خویر، عباس عجینه به شهادت رسیدند. از رهگذر همین اهمیت و تأثیر گذاری عمیق بر زندگی فردی و اجتماعی زائران در این مسیر بود که بعضی به فکر بنای کاروانسرا در آن افتادند. بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که نخستین منزل، به «خان جذعان» معروف بوده و در شرق «خان مصلی» قرار داشته؛ سمت چپ کسی که از نجف به کربلا می‌رود. یکی از جهان‌گردان، به نام «الواموسیل» در سال ۱۹۱۲م. در یادداشت‌های خود، از «خان جذعان» اینگونه یاد می‌کند:

در شرق خان مصلی، قلعهٔ درویش واقع شده که از خان جذعان و تللیل الذیب، چندان دور نیست.^۸

ظاهراً میان نجف و کربلا تنها همین یک کاروانسرا وجود داشت و پس از ساخته شدن کاروانسراهای سه‌گانه (خان مصلی، خان حماد، خان نخيله) به دست فراموشی سپرده شده و هجوم شن‌های روان، آن را به تپه‌ای از شن تبدیل کرده است.^۹ در دیدار از مکان این کاروانسرا، جز تپهٔ شن چیزی ندیدیم. وجود مزارع پیرامون آن مکان، ما را به وجود آن راهنمایی کرد و نزدیک آن انباری است مربوط به «شرکت هواپیما سازی».

«جذعان» نام غلام یکی از امیران هند به نام «راجا» بوده است. این غلام روزگاری برای تجارت وارد عراق می‌شود. از آنجا که او و صاحبش از دوستداران اهل بیت علیهم‌السلام بوده‌اند، وقتی «جذعان» از تجارت خود، سود فراوان به دست می‌آورد، ابتدا کربلا و آنگاه نجف را زیارت می‌کند و چون فاصلهٔ زیاد میان نجف و کربلا را می‌بیند و مشکلات مسافران و زائران را از نزدیک لمس می‌کند، همانجا تصمیم به ساختن یک کاروانسرا می‌گیرد. همچنین مناره‌ای در صحن بارگاه ملکوتی امام حسین علیه‌السلام می‌سازد که امروز به «منارهٔ عبد» معروف است.

تاریخ و وضعیت کاروانسراهای سه‌گانه

در باره وجود و بنای این کاروانسراها، میان تاریخ نگاران اختلاف است. اگر بخواهیم آن را به درستی بررسی کنیم و واقعیت را آنگونه که هست دریابیم، چاره‌ای نداریم جز این که هر یک از این مکان‌ها را به طور جداگانه مورد شناسایی قرار دهیم.

اول. خان مصلی

خان مصلی حدود دوازده مایل از مرکز شهر نجف فاصله دارد و این میزان، طبق اندازه گیری جهانگرد معروف «لیدی دراور» است؛^{۱۰} همچنان که طریحی درباره این فاصله می‌گوید: «خان مصلی که از شهر نجف ۲۰ کیلومتر فاصله دارد...»^{۱۱} این خان در طرف راست کسی است که از نجف به کربلا می‌رود. در تاریخ ساخت خان مصلی چند نظریه وجود دارد؛ جناب دکتر حسن حکیم معتقد است:

ساخت این مکان را حاج حسن، فرزند حاج احمد مرزه، متوفای سال ۵۰۳۱ق. ۸۸۸۱م. بر عهده گرفت و یک سال پیش از مرگش این کار را آغاز کرد... او یک سوم $\frac{1}{3}$ اموالش را به این امر اختصاص داد.

مخارج ساخت و ساز این خان، حدود دوازده هزار لیره طلا می‌شد و این جدا از قیمت زمین‌های اطراف خان بود که می‌بایست خریداری می‌شد و برای بهره‌گیری مسافران و کمک به مستمندان تبدیل به باغ و بستان و مزارع سرسبز می‌گردید.^{۱۲}

طریحی، سخن دیگری دارد:

خان مصلی را حاج محمد حسین خان اصفهانی ساخت و حاج حسن مرزه آن را تجدید بنا کرد. حاج محمد حسین از نزدیکان شاهان قاجار در ایران بود و صدر اعظمی محمد علی شاه را نیز بر عهده داشت؛ از جمله کارهای این حاج محمد حسین، اتمام دیوار پنجم اطراف شهر قدیم نجف بود که آن را به شکل شیری نشسته، برگرد شهر قرار داد.^{۱۳} وی در سال ۱۲۳۹ق. ۱۸۲۴م. از دنیا رفت.

در این باره، دیدگاه سومی نیز وجود دارد و آن این که:



در سال ۱۲۵۸ ق. والی آن زمان بغداد؛ یعنی نجیب پاشا، سفری به نجف می‌کند، برای فرونشاندن شورش‌هایی که در این شهر به پا شده بود. پیش از رسیدن به نجف، در مکانی برای نماز رحل اقامت می‌افکند و همانجا بنای خان مصلی را می‌گذارد که تا امروز به همین نام خوانده می‌شود. بعد از این قضیه، میان والی و مردم شهر نجف صلح و آشتی برقرار می‌شود.^{۱۴}

در حقیقت «خان مصلی» متشکل بود از مجموعه اتاق‌های تو در تو. گزارش نظامی یکی از فرماندهان انگلیسی در سال ۱۳۲۹ ق. ۱۹۱۱ م. این مطلب را تأیید می‌کند:

منزلگاه خان مصلی عبارت است از سه کاروانسرا و شش قهوه‌خانه.^{۱۵}

بنابراین، می‌توان گفت: از میان این سه منزلگاه و کاروانسرا، یکی را حاج محمد حسین خان اصفهانی بنا کرده، دومی را حاج حسین مرزه، سازندهٔ سومی شناخته شده نیست. شاید طبق آنچه پیش‌تر گفتیم بانی سومین خان، نجیب پاشا بوده است. شاید هم پیش از او، حاج حسن مرزه کار ساخت آن را به پایان برده است؛ همچنان که «اسدی» هنگام بیان ماجرای «نجیب پاشا» در حاشیهٔ این سخن که «نجیب پاشا در آنجا که نماز برگزار کرد، خانی ساخت که به خان مصلی معروف گردید» می‌گوید: «بانی این خان، در واقع حاج حسن، فرزند احمد فرزند مرزه اسدی است.»^{۱۶}

سید جعفر حلّی، در اشاره به بنای خان مصلی، چنین سروده است:

هر که ترسان به سوی خان مصلی آید، امان یابد
و هر که در سفر سختی‌اش رسیده، به راحتی پایه
به آزادگی فرود آید در خانی که با شرافت است
و باز کن در برابر آن پای و چه خستگی و آفت است
چگونه آن که در مصلی بیتوته می‌کند، پریشان باشد
حال آنکه در میان بزرگان و امانت داران باشد
از کربلا و سرزمین آسمانی نجف هر روز
اسبانی به این مکان رانده می‌شوند هنوز

این خان را برای رسیدن به ثواب، بنا کرد پارسایی
که خداوند او را در بهشت دهد قصرهای مینایی
ای زائر حسین هرگاه دعای خویش پراکندی
به حق امام حسین علیه السلام دعا کن برای حسن^{۱۷}

بنای اولیه خان مصلی در دهه سوم یا چهارم قرن دوازدهم، در
دوران حیات حاج محمد حسین خان به انجام رسید و آنگاه حاج حسین
مرزه آن را ترمیم و بازسازی کرد و خان دیگری در کنار آن ساخت که
امروزه به هر دوی آنها، خان مصلی گفته می‌شود.

در آخرین بیت، شاعر هم تاریخ بنای خان مصلی را یاد آور می‌شود و هم از زائران
می‌خواهد که در حق بانی آن، حاج حسن، به خاطر این عمل صالح دعا کنند: «بحق
حسین اذکرالحسنا» که می‌شود ۱۳۰۹ق

بنای اولیه خان مصلی در دهه سوم یا چهارم قرن دوازدهم، در دوران حیات حاج
محمد حسین خان به انجام رسید و آنگاه حاج حسین مرزه آن را ترمیم و بازسازی کرد و
خان دیگری در کنار آن ساخت که امروزه به هر دوی آنها، خان مصلی گفته می‌شود.

توصیفی از گذشته خان مصلی

جان پیترز جهان‌گرد، در سال ۱۸۹۰م. از خان مصلی دیدن کرده و به نظر می‌رسد
این دیدار هنگام ترمیم و بازسازی خان صورت گرفته است. الواموسیل، یکی دیگر از
گردشگران اروپایی، در وصف خان مصلی اینگونه آورده است:

خان مصلی ساختمانی است مستطیل شکل، احاطه شده با دیوارهای
بلند آجری و در آن به مشرق باز می‌شود.^{۱۸}

همچنین دکتر حسن حکیم در بحث خود درباره خان مصلی، با عنوان «خان مصلی
اثری تاریخی از عهد عثمانی» این مکان را به همین صورت توصیف می‌کند. وی در
روز پنج شنبه ۱۴ رجب ۱۴۱۹ق. از خان مصلی دیدن کرده است.



سفری به خان مصلی

صبحگاه روز شنبه، چهاردهم ماه ذی‌قعدة سال ۱۴۲۶ق. برابر با ۱۷/۱۲/۲۰۰۵م. وارد جاده نجف کربلا شدیم و در یک راه فرعی ناهموار، از میان مزار، به جاده‌ای خاکی و عریض، به محاذات دیوار جنوبی کاروانسرای مصلی رسیدیم. جاده فرعی را ادامه دادیم و به طرف راست حرکت کردیم و روبه روی خان مصلی، از جهت مشرق رو به رو شدیم با پشته‌های خاک و آثاری در گوشه و کنار، که تشخیص ماهیت هر کدام از دیگری برایمان مشکل بود. گویا هر کدام آن‌ها عبارت بود از طاقچه‌ها و ایوان‌های آجری که مسافران در پناهشان استراحت می‌کردند، غذا می‌خوردند و اسباب و چارپایانشان را می‌بستند.

بعد از مقداری دقت، آشپزخانه این کاروانسراها را نیز توانستیم تشخیص دهیم، با یک در بزرگ و تنور و دودکش که از بالای تنور تا پشت بام کشیده شده بود. آثار تنور هنوز به خوبی برجای مانده بود. روبه روی خان مصلی چندین قبر وجود داشت که چون درباره آنها از یکی از ساکنان آن محل پرسیدیم، گفت: وقتی یکی فرزندان ساکنان نخستین اینجا می‌مرد، آن را نزد این خان دفن می‌کردند، اما قبر نزدیک به درخان، که پرچم سفید رنگی آن را متمایز ساخته، از سید مهدی دیجاوی است.

همچنین روبه روی خان، مدرسه ابتدایی تازه سازی به چشم می‌خورد به نام «مدرسه قسطله» دروازه اصلی خان، به جز قسمت راست آن همه‌اش از بین رفته است. قسمت باقی مانده دیواره‌ای است آجری که در میانش ایوانی کوچک به ارتفاع یک متر و نیم خود نمایی می‌کند و اما سمت چپ دروازه، که مقابل سمت راست قرار گرفته، کاملاً از بین رفته و گویا هنگامی که دکتر حسن حکیم هشت سال پیش از آنجا دیدن کرده، این قسمت برجای بوده است.

ایوانی که در قسمت باقی مانده دروازه نام بردیم، دو پایه محکم آجری دارد که از سطح دیوار اندکی برجسته‌تر است و خالی از زیبایی معماری نیست و بر آن کنده کاری‌های هنری و ظرافت‌های معماری عصر عثمانی دیده می‌شود.

اکنون وارد خان مصلی می‌شویم که در واقع دوخان است چسبیده به هم، حال

آن که از بیرون یک خان به نظر می‌رسد؛ زیرا یک دیوار هر دو را کاملاً در بر گرفته است.

از خان اول جز تعدادی طاقچه و ایوان، در گوشه و کنار بنا باقی نمانده است و در وسطش چاه آبی دیده می‌شود، در آن روزگاران برای برداشتن آب. به نظر می‌رسد این دوخان، بعد از انتفاضه ماه شعبان سال ۱۹۹۱م. به دست لشکر حکومت بعثی خراب و ویران شده است. نقل است که لشکر بعثی این بناها را ویران کرده و آجرهای آن را برای ساختن لشکرگاه و مانند آن به کار می‌بردند. خوب است به این مطلب نیز اشاره کنیم که ما در دیدار از خان مصلی، باقی مانده سلاح‌ها، تیرها و مهمات لشکر مهاجم را مشاهده کردیم. از چیزهایی که باعث شگفتی من شد، این بود که در یک شبکه اینترنتی نام تعدادی از زندان‌های عراق کهن را مشاهده کردم که یکی از آن‌ها «زندان خان مصلی» بود. معلوم نیست که آیا این زندان، از زندان‌های سرّی بوده یا در خان مصلی چنین زندانی وجود داشته است. همچنین زندانی به نام «خان نخيله» در آن فهرست دیدم.

به هر حال، چون وارد خان دوم از مجموعه خان مصلی شدیم، بیش‌تر آثار و علائم آن قابل رؤیت بود، بهتر از خان اول. به نظر می‌رسید که تاریخ ساخت آن بعد از خان نخست بوده است. تعدادی از ایوان‌ها به شکلی خوب و سالم باقی مانده بودند. مساحت این دو خان روی هم به بیش از ۲۰ متر مربع می‌رسید.^{۱۹}

ناگفته نماند که در خان دوم، مقابل دروازه قرار داشت. گرداگرد خان دوم را ایوان‌های وسیع احاطه کرده بود و میان این ایوان‌ها، در چهار سوی خان، ایوانی بزرگ، به شکل نیم دایره نگاه‌ها را به خود جلب می‌کرد. نیز در چهار زاویه دیوار محیط برخان، چهار بُرج به چشمان آمد.

بعضی از ایوان‌ها سالم مانده بودند. در ایوان‌های سمت شرقی، یکی از ایوان‌ها دو قسم می‌شد؛ قسمتی از آن مشرف بود به حیاط خان قدیم (خان اول) و قسم دیگر بر حیاط خان جدید (خان دوم) اشرف داشت. اما ایوان‌های سه جهت دیگر، همگی رو به حیاط خان دوم داشتند.



پشت دیوارهای خان، رواق‌هایی از آجر، به شکل گنبد بود که با مهارتی خاص ساخته بودند و از ظرافت و ذوق بالای هنری سازنده آن‌ها حکایت می‌کرد. این‌ها برای محافظت مسافران از باد و باران و گرما و سرما بود. طبیعی است چنین سازه‌هایی، در فصل تابستان محلی است خنک و سایه سار برای رهگذران و مسافران.

هریک از این رواق‌ها به سلسه‌ای از گنبدها و قبه‌ها منتهی می‌شد و هر کدام از آن گنبدها بر طاق‌هایی بود که دو ورودی داشت.

نکته دیگر این که میان هر یک از ایوان‌های مشرف بر حیاط خان، دیواری ضخیم به عرض یک متر فاصله بود که این ضخامت در بالا افزایش می‌یافت و با دیوار دیگر به هم متصل می‌شد؛ به خاطر قوسی بودن بالای ایوان‌ها. روی هر دیوار گیره‌ای چوبی بود که به ظاهر مشعل‌ها را روی آن قرار می‌دادند.

از آنجا که چیز زیادی از وجود خارجی ایوان‌های محیط حیاط خان، باقی نمانده، نتوانستیم تعداد آن‌ها را بشماریم، اما شاید بتوان حدس زد که در هر سو، نه ایوان وجود داشته، با یک ایوان بزرگ و متمایز در وسط، به عرض ۴/۷ م.

سطح این ایوان بزرگ به شکل نیم دایره و غیر مسقف بود. ایوان‌های معمولی، عرضی به اندازه ۳ متر داشتند و سطحشان مستطیل بود. در حیاط خان، دو سکوی بزرگ، به عرض ۱۰ متر و به طول ۲۵ متر، در مقابل هم چشم بیننده را به خود جلب می‌کرد. ارتفاع این دو سکو از زمین یک متر و سطحشان با آجر مربع شکل مفروش بود. در ظاهر برای برگزاری نماز از آن‌ها استفاده می‌شده است. پشته‌های خاک و آجر در سمت قبله، نشان از وجود محراب در آن مکان می‌داد. در فاصله میان این دو سکو، چاهی، با دهنه دایره شکل دیده می‌شد که تا عمق مشخصی با آجرهای مخصوصی، به شکل هندسی و فنی آجرچین شده بود. برای رسیدن به عمق چاه از دوازده پله که با آجر بر دیواره چاه ساخته شده، استفاده می‌کردند.

اکنون که توصیف خان مصلی به پایان می‌رسد، از گفتن مطلبی ناگزیریم و آن این که: این منزلگاه‌ها، مانند خان مصلی، از همان نخست، برای امام حسین علیه السلام وقف بوده،

از این رو برداشتن خاک و سنگ آن به هیچ روی جایز نیست. نقل است که بعضی از عرب‌ها، آنگاه که از خاک و سنگ و آجر این خان‌ها برای ساختن خانه و اقامتگاه خود استفاده کرده‌اند، این امر وبال گردن آن‌ها شده و معیشت و زندگی و چهار پایانشان رو به هلاکت و نابودی رفته است.

دوم. خان حماد (نص)

به کاروانسرای حماد، گاه منزلگاه «نص» نیز گفته می‌شود «که به لهجه عوام عراق؛ یعنی نصف».

«حماد» در زبان بادیه نشینان؛ یعنی «صحرا» و به جهت این که این خان، بین خان‌های دیگر و وسط راه کربلا و نجف واقع شده به آن «نص» یا همان «نصف» گفته‌اند.^{۲۰} از خان نص تا نجف اشرف نزدیک ۴۴ کیلومتر فاصله است و تا خان مصلی ۲۲ کیلومتر. بنابراین، هم اکنون این خان، در وسط راه نجف کربلا واقع شده است. در بین خان‌ها، خان نص از همه کهن تر است. قدیمی بودن این خان نسبت به خان مصلی را از وجود خان جذعان در نزدیکی خان مصلی می‌توان فهمید؛ یعنی مسافرانی که در خان جذعان فرود می‌آمدند، پس از حرکت از آنجا، انگیزه‌ای برای فرود در خان مصلی نداشتند بلکه مسافتی طولانی طی می‌کردند و در این صورت خان حماد مناسب‌ترین منزلگاه برای آنان بود.

برای آغاز بنای خان حماد، چند تاریخ گفته‌اند که به ترتیب می‌آوریم:

۱. خان حماد، در عصر سلیمان والی عثمانی (به سال ۱۷۷۴ م. ۱۱۸۹ ق) برای استراحت زائران عتبات مقدس ساخته شد و آن دارای اهمیتی ویژه بوده و شام را به ایران مربوط ساخته است.^{۲۱}

۲. سید محسن امین، در شرح حال شیخ مسلم بن عقیل جصانی (متوفای ۱۲۳۰ ق). بعضی از اشعار وی را ذکر می‌کند. در این اشعار، به سازنده خان حماد؛ یعنی سید مهدی بحرالعلوم و تاریخ ساخت آن اشاره شده است:



چه منزلگاهی است خان سید در بین خانات
عقل را می‌رباید و مانندش دیده نشده است
خانی که در ساختمان برتالارهای بزرگ تفوق دارد
چنان که سازنده‌اش گوی برتری از همگان برده است
این خان را سید ما بنا کرده، همان که
پس از ائمه، بهترین فرزندان محمد بوده است
آنگاه شماری از خصلت‌ها و ویژگی‌های سید را بیان می‌کند، آنگاه اینگونه ادامه
می‌دهد:

کاخ سلیمان برتری یافت چون آراسته و آینه‌گون بود
و خان حماد با ارزش گردید بی‌آینه‌گون بودن
حجره‌هایش، اتاقک‌هایی است اما آن که
به آن‌ها داخل می‌شود، در آن‌ها ماندگار نمی‌شود
آن را برای زائران مهیا کرد، فرزند مرتضی
مهدی و خداوند سرمد آن را باقی گذارد
چه نیکو است خان حماد، تمام نیکویی‌ها
در بنای آن هیچ دستی ریاکارانه عمل نکرد
این همان قصر با شکوه و عظیمی است که
سایه‌اش تداوم یافت به اذن خداوند یاری کننده
از این رو، پرده از تاریخ آن چنین فرو افتاد
پناهگاهی است خان سید برای زائران^{۲۲}

وقتی مصرع آخر شعر را محاسبه کنیم، می‌بینیم که برابر است با ۱۲۰۰ق. دوازده
سال پیش از وفات سید مهدی بحر العلوم: «کنف حمی الزوَّار خان السَّید.»
شاید کسی بگوید: در این شعر، حتی اشاره‌ای به خان نص (حماد) نشده و شاید
این خان، در موقعیت خان مصلی یا خان نخيله بوده است.
در پاسخ می‌گوییم: برخی شواهد تاریخی به ما می‌گوید خان نص در همین مکان

مورد بحث بوده است؛ از جمله آنها است:

الف) بررسی اسناد تاریخی نشان می‌دهد که خان مصلی پیش از خان نص، در عهد حاج محمد حسین اصفهانی (متوفای ۱۲۳۹ق.) ساخته شده، در حالی که تاریخ ساخت خان نص (حماد ۱۲۰۰ق.) است.

ب) در گزارش فرمانده لشکر بریتانیا، در سال ۱۳۲۹ق. ۱۹۱۱م. آمده است:

«منزلگاه خان حماد از ده خان و صد خانه و تعدادی آب انبار سامان یافته که در آنها آب خوردن وجود دارد.»^{۳۲}

اما در دیدارهایی که از خان حماد داشتیم، غیر از پنج خان دیده نشد. شاید یکی از این خان‌ها که جز دیوارها و پشته‌های خاک از آن باقی نمانده، همان باشد که به دست سید بحرالعلوم ساخته شده است.

همچنان که در شعر به وجود خان سید در میان مجموعه‌ای از خان‌ها اشاره شد؛ آنجا که می‌گوید: «چه منزلگاهی است خان سید در بین خانات.» با این تفاوت که خان سید نسبت به خان‌های دیگر دارای برتری و امتیاز بوده است.

ج) موقعیت خان نص، بهترین مکان برای احداث خان بوده، چرا که خان مصلی در نزدیکی خان جدعان، آن را کم اهمیت می‌ساخت و خان نخيله نیز در نزدیکی کربلا بوده است. در این صورت است که می‌بینیم زائران به یک کاروانسرا در همین مکان خان نص نیاز داشته‌اند.

۳. سید محسن امین، در شرح زندگانی سید مهدی حلی، عموی سید حیدر حلی، شاعر بزرگ (متوفای ۱۲۸۷ق.) قصه‌ای نقل می‌کند که در آن آمده است:

جناب سید مهدی حلی برای زیارت امام کاظم و امام جواد علیهما السلام راهی کاظمین می‌شود. در میان راه باران می‌بارد و ایشان برای در امان ماندن از آن باران شدید، به خان حماد پناه می‌برد که سازنده‌اش حاج محمد صالح فرزند حاج مصطفی کاسب بغدادی است، و همانجا این شعر را می‌سراید:



خانه‌ای بر روی زمین که بنا کرده آن را
کسی که همتش در بین مردم از همه عالی تر است
فرود آمدیم در آن در حالی که باران از آسمان می‌ریخت
گویا که قطرات باران از کف آسمان جاری است

سپس خان حماد را توصیف می‌کند تا می‌رسد به این جا که:
شب را در آن آرمیدیم تا این که خواستیم
با طلوع آفتاب از آنجا راهی شویم
اگر چه بر ما مشکل بود، اما از آن مکان
بیرون شدیم، اما دور شدن از آنجا دلخواهمان نبود
در آن خان ابوالمهدی بود که مردمان را همه
نعمت‌ها بخشید و همگان را ارزانی داشت
خدایا، این خان چه اندازه پرتو و درخشندگی داشت
مانندش را مردمان هرگز نشینده‌اند، هرگز^{۲۴}



خان حماد را حاج محمد صالح کبه بغدادی ساخت و در کنارش، شیخ مرتضی انصاری خانی دیگر بنا کرد. این دو خان را دیواری در میان گرفته که به هر دو «خان حماد» گفته می‌شود.

۴. خان حماد در نیمه راه کربلا نجف ساخته شده و بزرگ ترین و محکم ترین خان‌ها بوده است. این خان به دست خاندان آل کبه بغدادی، به همت حاج محمد صالح فرزند حاج مصطفی کبه (متوفای ۱۲۸۷ق. = ۱۸۷۰م.) ساخته شد. همچنان که حاج محمد صالح خانی در منطقه اسکندریه خانی ساخت معروف به «خان وقف» و آن را وقف زائران عتبات مقدسه عراق کرد.^{۲۵} علامه کبیر شیخ مرتضی انصاری (متوفای ۱۲۸۱ق. - ۱۸۶۴م.)^{۲۶} نیز خانی دیگر در کنار «خان وقف» بنا کرد و آن را گسترش داد.

صاحب کتاب «کربلاء فی المراجع موسوعه العتبات» در این باره می‌نویسد:

خان حماد را حاج محمد صالح کبه بغدادی ساخت و در کنارش، شیخ مرتضی انصاری خانی دیگر بنا کرد. این دو خان را دیواری در میان گرفته که به هر دو «خان حماد» گفته می‌شود.^{۲۷}

از آنچه گفتیم آشکار می‌شود که خان حماد مجموعه‌ای از چند خان است و هر خانی را یکی از اشخاص نیکوکار ساخته است؛ یعنی سید بحر العلوم و شیخ انصاری و حاج محمد صالح، هر کدام خانی را ساخته و به خان دیگر متصل کرده‌اند. همچنین مشخص شد که نخستین خان از مجموعه خان حماد، در عهد سلیمان، والی عثمانی در سال ۱۱۸۹ق. ساخته شده و خان‌های دیگر به دنبال آن بنا گردیده‌اند. با ساخته شدن هر خان جدید، در خان پیشین نیز مرمت و بازسازی صورت می‌گرفت. لزوم این کار، بر می‌گردد به روز افزون بودن زائران عتبات مقدسه عراق و نیاز بیش از پیش به مکان‌های استراحت و منزلگاه‌هایی این چنین در مسیر کربلا و نجف.



خان حماد از نگاه جهان گردان

۱. جان پترز که در سال ۱۲۰۸ ق. - ۱۸۹۰ م. از نجف دیدن کرده، یک استاد آمریکایی و رییس هیأت دانشگاه پنسیلوانیا برای بررسی آثار باستانی است. وی هنگام رفتن به کربلا، در خان نص منزل می‌کند؛

کاروان پترز هنگام ظهر وارد خان حماد شد که عبارت بود از پنج منزلگاه کوچک در یک منزلگاه بزرگ. وقتی پترز وارد این خان شد تا استراحت کند، با مردی از اهالی نجف ملاقات کرد که چندتن از زائران ایرانی را با خود همراه می‌برد.^{۲۴}

۲. لیدی دراور که در خاطرات خود می‌نویسد:

ماشین ما کنار خان حماد توقف کرد که در میان راه کربلا نجف بود. آنجا محلی است دارای دیوارهای بلند و خانه‌ها و چند دکان و تعدادی اسطبل و بخش‌هایی مخصوص زائران؛ زائرانی که ترس از صحرائشینان همواره با آنان بود، و این پناهگاه‌ها و منازل بین راه، برای آنان بهترین جایی بود که از شر صحرائشینان در امان می‌داشت و از خطرات آن مناطق دور افتاده حفظ می‌کرد.^{۲۹}

۳. فرستاده یکی از پایگاه‌های اینترنتی از دانمارک که خود عراقی است، می‌گوید:

خان حماد مجموعه‌ای از چند ایوان است که زائران در آن‌ها اقامت می‌کنند؛ به خصوص آن‌ها که از ایران برای زیارت عتبات مقدسه می‌آیند. این خان برای حفاظت از مسافران و اموال آنان، به شکل پیچیده‌ای ساخته شده تا دزدان و راهزنان به سادگی نتوانند به اهداف شوم خود برسند. ورود به خان حماد، از طریق دروازه اصلی است و آن به شکل ساختمان‌های دوره عثمانی ساخته شده، با استفاده از آجرهای فرشی، این خان قسمت‌های ضمیمه‌ای هم دارد برای اسبان و نیز نگهداری کالاهای مسافران.^{۳۰}

سفر به خان حماد

در روز جمعه، ۲۷ ذوقعه از سال ۱۴۲۶ق. = ۲۰۰۵/۱۲/۳۰م. به خان حماد رفتیم، همراه با حاج حسین هاشم روضان، از اهالی منطقه خان حماد، در ناحیه حیدریه، مسؤول بخش حفاظت از خان حماد و مدیر حفظ آثار تاریخی شهر نجف. وی در شناسایی بخش‌هایی از خان، بهترین کمک را به ما کرد.

در ورودی پنج‌خان در خان حماد، عبارت بود از درگاهی به عرض یک متر و نیم و ارتفاع دو متر که پشت خان حماد گشوده می‌شد و این درگاه از دو لنگه در آهنی تشکیل می‌شد که به گفته حاج حسین، یک لنگه آن را دزدان برده‌اند.

به هر حال، وقتی وارد خان می‌شوی، رو به رویت حیاطی دایره شکل و سقف دار به گونه‌ای یک گنبد مسطح پدیدار می‌شود و یک راهرو سقف‌دار که از دو طرف امتداد دارد و دو طرف این راهرو ایوان‌هایی قوسی شکل و بلند آستانه خود نمایی می‌کنند. وقتی پرسیدیم: چرا این ایوان‌ها پله ندارد؟

گفتند: این‌ها مخصوص انبار کردن علوفه حیوانات و نگهداری بعضی کالاهای سنگین مسافران بوده است.

وارد حیاط خان نخست شدیم که غیر از ضلع روبه‌روی دروازه اصلی، دیگر جوانب از ردیف ایوان‌های متعدد تشکیل می‌شد. مقدار بازسازی صورت گرفته در این خان اندک بود و نشانه‌های فرسودگی و ویرانی به خوبی دیده می‌شد. ایوان‌های قوسی مشرف به حیاط خان، به حدود ۳۰ می‌رسید.

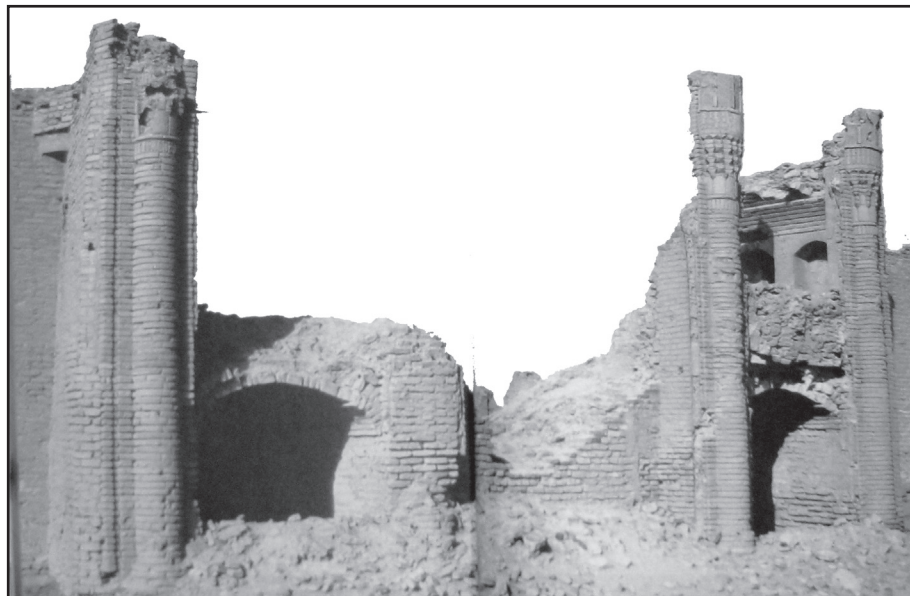
سمت چپ حیاط، ایوان‌هایی مختلف داشت. تعدادی از آن‌ها رو به حیاط خان بودند و پشت آن‌ها ردیفی دیگر از ایوان‌ها را می‌دید که در ضمن یک رواق طولانی، مکان‌هایی برای خدمت‌رسانی به زائران فراهم آورده بود. آنگاه وارد خان دوم شدیم که مشرف به سقوط و ویرانی بود. راهنمایمان تذکر داد که این خان از همه قدیمی‌تر و کهن‌تر است.

دیوار شرقی که خان‌های پنج‌گانه را به هم مرتبط می‌ساخت، تشکیل شده بود از



دیوارهای شرقی خان اول و دوم. در وسط خان دوم پشته‌های خاک و انباشته‌هایی از سنگ و آجر دیده می‌شود، همچنین آثار چاه آبی وجود دارد. تعدادی از ایوان‌های این خان، روبه حیاط خان‌اند؛ در طرف مشرق ۱۸ ایوان که بینشان ایوانی بزرگ با دو دیوار هلالی در دو طرف، آن‌ها را از هم جدا می‌کند. دو طرف ایوان بزرگ، پله‌هایی برای رفتن به پشت بام مشاهده کردیم.

اما در طرف جنوبی خان، ایوان‌های متفاوتی دیده می‌شود. ابتدای ایوان‌ها، ایوانی است بزرگ با درگاهی به طول پنج متر. بعد از آن، ایوان کوچکی دیده می‌شود به طول در گاهی ۲ متر همچنان که پشت به این ایوان‌ها، ایوان‌هایی متصل به رواق آجری، به شکل گنبد وجود دارد. در ضلع شمالی خان حماد، پنج ایوان ساخته شده که دو بخش دارند؛ بخشی رو به حیاط خان و بخشی دارای سقف. اما ضلع غربی، غیر از یک طاق که آثار ساخته‌های هنری و ظریف بر آن دیده می‌شود، دیگر هیچ ایوانی وجود ندارد. بالای این طاق، اتاقکی که از دو طرف گشوده است و برای مراقبت و اذان مورد استفاده بوده، جلوه‌گری می‌کند. از زیر این طاق که بگذریم، وارد خان سوم می‌شویم. این خان در ظاهر بهترین و زیباترین خان‌ها و از جهت ساخت نوسازترین آن‌هاست. و از چهار



طرف با ایوان‌های متعدد احاطه شده است. پشت به این ایوان‌ها، چسبیده به رواق‌هایی چند، ایوان‌های سقف داری به شکل گنبد وجود دارد که برآمدگی شان از پشت بام دیده می‌شود. راه ورودی به این رواق‌ها، گذرگاه‌های موجود در ایوان‌های مشرف به حیاط خان می‌باشد. در هر طرف، میان ایوان‌هایی که تعداد آن‌ها به ۱۰ می‌رسد، یک ایوان بزرگ قرار گرفته است. در وسط خان سوم دو سکوی بزرگ و مقابل هم، به همان صورت که در خان مصلی یاد کردیم وجود دارد که در یکی از آن‌ها آثاری از محراب نیز دیده می‌شود. در دو طرف سکوها دو برآمدگی خاک دیدیم و وقتی از حاج حسین درباره آن‌ها پرسیدیم، گفت: زیر این برآمدگی‌ها، جایی برای نگهداری وسایل راحتی و لوازم خدماتی مسافران تعبیه شده که با نردبان می‌توان وارد آن‌ها شد. میان دو سکوی یاد شده، یک چاه آبی وجود دارد با پله‌هایی بردیواره چاه، برای بالا و پایین رفتن از آن یک گذرگاه آجری، دیدار کننده را به خان چهارم راه می‌نماید؛ خانی نسبت به سه خان دیگر کوچک است و پیرامونش ایوان‌هایی دیده می‌شود.

چهار ایوان در سمت شرقی، با دو طبقه، طبقه اول یک متر و نیم ارتفاع دارد و روی آن ایوانی دیگر ساخته شده، اما ضلع غربی خان چهارم، دو ایوان بزرگ و مرکزی دارد و یک ایوان در زاویه راست که پهلوی آن، نردبانی به بالای بام خان منتهی می‌گردد.

اما ایوانی که در زاویه سمت چپ واقع شده، به رواق‌های مسقف راه دارد و این رواق‌ها، هر خانی را به خان دیگر متصل می‌کنند. ضلع‌های جنوبی و شمالی خان چهارم، هر کدام هفت ایوان دارند، و در وسط حیاط خان، آثار یک چاه قدیمی به چشم می‌خورد.

از میان دهلیزی که در زاویه شمال غربی خان بود، گذشتیم تا به آخرین خان رسیدیم؛ یعنی خان پنجم، این خان در قسمت شمال غربی مجموعه خان‌ها واقع شده است، دیوار غربی این خان مشرف است بر فضای خارجی خان‌ها، جنب مسیر نجف کربلا اما دیوار شمالی برابر است با خانه‌ها و خیابانهای منطقه حیدریه. از جهت ساختمانی، خان پنجم رتبه‌ای متوسط دارد و از چهار طرف با ایوان‌های متعدد محصور است. در طرف غرب خان، هشت ایوان دیده می‌شود به مرکزیت یک ایوان بزرگ، گوشه‌های غربی نیز به گذرگاه‌هایی منتهی می‌شوند که مشرف بر رواق‌های احاطه



شده با ایوان‌ها و دارای سقف‌های آجری. اما ضلع‌های دیگر خان، تعداد ایوان‌های موجود در آن‌ها به ۳۰ می‌رسد. مانند خان‌های پیشین، در وسط حیاط این خان نیز دو سکو وجود دارد به اضافه یک چاه آب. از مسیر یک گذرگاه مسقف که بالای آن حجره‌ای آجرنما است، می‌توان از خان اول به خان پنجم راه یافت. چهارگوشه این حجره نیز به شکل قوسی، با آجر ساخته شده و باز است؛ به جوری که از چهار طرف می‌توان وارد آن شد. عرض این حجره پنج متر، طول آن ۶ متر و ارتفاعش ۵ متر است. وقتی از سمت غربی وارد حجره شدیم، نردبانی بر دیوار بود که به پشت بام حجره منتهی می‌شد. از این مکان برای گفتن اذان و اعلان امور مهم برای زائران استفاده می‌شده است.

دیوار خارجی، محیط به اطراف پنج خان است و در چهار گوشه آن پناهگاهی قوسی شکل ساخته شده برای نگهبانی و پاسبانی از خان‌ها. ارتفاع این دیوار، حدود ده متر است تعدادی قبر نزدیک دیوار غربی خان حماد دیده می‌شود که دو قبر دارای گنبد‌های سبز رنگ هستند. حاج حسین می‌گوید: این دو، قبر دو سید بزرگوار است که خواسته‌اند میان کربلا و نجف دفن شوند تا به فضیلت دفن در جوار حمایت امیر مؤمنان و شهید کربلا نایل آیند.

سوم. خان نخيله

درباره وجه تسمیه آن به «خان نخيله» کسی چیزی به ما نگفت. نخيله در قدیم نام لشکرگاه لشکریان و جنگجویان علی علیه السلام در نزدیکی‌های کوفه بوده است. در کتاب‌های تاریخی به عباراتی مانند «در نخيله فرود آمد» و «لشکر در نخيله» زیاد بر می‌خوریم. شاید بتوان گفت منطقه‌ای که این خان در آن واقع شده، نزدیک باغ‌های به هم پیوسته میان نجف و کربلا است و نزدیک آن، شاخه‌ای از رود فرات واقع شده است. بر این خان، «خان ربع» نیز اطلاق می‌شود، از این رو که خان نخيله نسبت به ساکنان کربلا که به نجف می‌روند، ۱/۴ راه کربلا تا نجف محسوب می‌شود (فاصله خان نخيله از کربلا ۲۱ کیلومتر است).^{۳۱}

خان نخيله كه به آن، به خاطر زائرنی كه از كربلا می آیند، خان ربع گفته می شود به دست خاندان آل شمسۀ نجفیه ساخته شد و این خاندان پیوسته مأمور نگهداری و ترمیم آن بوده اند. اگر چه اکنون این خان در آستانۀ ویرانی است.

در گزارش نظامی كه رییس ستاد ارتش بریتانیا در سال ۱۳۲۹ق. ۱۹۷م. نوشته است، می خوانیم:

اینجا خان نخيله است و در آن سه خان و شش قهوه خانه و چاه های آب گوارا و... موجود است.^{۳۲}

درباره کسی كه این خان را ساخته دو نظریه وجود دارد:

۱. یکی از اهالی هند این خان را برپا کرده است.^{۳۳}
 ۲. خان نخيله كه به آن، به خاطر زائرنی كه از كربلا می آیند، خان ربع گفته می شود به دست خاندان آل شمسۀ نجفیه ساخته شد و این خاندان پیوسته مأمور نگهداری و ترمیم آن بوده اند. اگر چه اکنون این خان در آستانۀ ویرانی است.^{۳۴}
- به نظر می رسد كه خان های سه گانه خان نخيله، در زمان های مختلف ساخته شده اند؛ یعنی شاید یکی از اهالی هند، نخست خانی را برپا کرده و آنگاه در کنار آن به دست دیگران، خانی دیگر ساخته شده است.

شیخ جعفر محبوبه در بیان سرگذشت خاندان آل شمس می گوید:

یکی از آثار خیریۀ به جا مانده از این خاندان، خان مشهور به «خان آل شمس» در راه كربلا نجف است. این خان آخرین خان در این راه است و بعد از آن وارد شهر كربلا می شویم. خان آل شمس مسافرخانه زائران و محل مسافران بوده است. از این رو، حاج حسن فرزند شیخ محمد آن را آباد کرد. اگر چه امروزه به خاطر زیاد بودن وسایل نقلیه و عدم نیاز به این خان، مورد غفلت و بی توجهی قرار گرفته است.^{۳۵}



با توجه به سخن بالا، دو برداشت می‌توان کرد:
خان نخيله ساخته شده به دست آل شمس بوده و از این خاندان، به خصوص حاج حسن شمس، آن را باز سازی و تعمیر کرده است.

شاید این حاج حسن، بنا کننده اصلی خان نخيله باشد، همچنان که عباس دجیلی در بیان شجره خاندان شمس گفته است: «حسن فرزند محمد آل شمس، خان نخيله را بنیان گذاشت.»^{۳۶}

بنده در بخش سندهای کتابخانه عمومی امیر المؤمنین علیه السلام در نجف اشرف، دست نوشته‌ای را دیدم که در آن، دو نفر به نام‌های خلیل بن ابراهیم و خضیر بن کاظم بر عهده گرفته بودند تعدادی آجر به خان نخيله انتقال دهند. تاریخ این سند، ۲۶ صفر سال ۱۳۲۰ ق. بود.

در همان کتابخانه مانند سند بالا، سند دیگری وجود داشت که دو نفر دیگر تعهد کرده بودند شصت هزار آجر را برای خان نخيله آماده کنند، به تاریخ هفتم ربیع الأول سال ۱۳۲۰ ق.

در سندی دیگر، سه نفر متعهد شده بودند هزار بار هیزم به خان نخيله (خان آل شمس) بفرستند، به تاریخ اول صفر سال ۱۳۱۴ ق.

تمام افراد متعهد در این اسناد، تعهدنامه خود را به حاج باقر شمس فرزند حاج حسن، بنیان گذار خان نوشته بودند و این نشان می‌دهد که کار کردن در خان آل شمس و صیانت از آن، حتی بعد از وفات حاج حسن و در دوران فرزندش حاج باقر شمس ادامه داشته است.

سفر به خان نخيله

در تکمیل سفر به خان نص، سفری هم به خان نخيله داشتیم. در همان روز، وقتی گردش ما، در مجموعه خانان خان حماد به پایان رسید، ماشین، ما را به خان نخيله برد. از راه فرعی خاکی که از جاده نجف کربلا جدا می‌شد، ظاهر عمارت خان نخيله، مثل خان مصلی بود و دروازه‌اش بین دیوار شرقی خان واقع شده بود و رو به زمین‌های

زراعی و صحرا داشت. در جلو دیوار خان نخيله، مانند خان مصلی، آثار باستانی و مانند آن ندیدیم.

بر دیواره شرقی خان نخيله آثاری زیبا از معماری اسلامی دیده می‌شد که متشکل از آجر کاری‌های هنری و کندو کاری‌های فنی بود و این، بر ارزش معماری دیوار می‌افزود و دروازه را در وسط دیوار جلوه‌گر می‌ساخت. دروازه در شکل کلی خود، طاقی قوس مانند بود که در دو طرفش دو ایوان مقوقس جای گرفته بود.

بر بالای طاق قوسی دروازه، حجره‌ای دیده می‌شد. علی‌رغم انفجاری که در آن رخ داده بود، هنوز زیبایی ظاهری خود را داشت و سرپا بود؛ در سال ۱۹۹۳ م. هنگامی که سپاهیان مهمات و سلاح‌های خود را در خان نخيله انبار کرده بودند، چون نزدیک پادگان نظامی بود، امنیت داشت. روزی انفجاری بزرگ در آن انبار رخ می‌دهد و بسیاری از ساخته‌های خان مصلی ویران می‌شود. هنوز آثاری از تکه پاره‌های مهمات و سلاح‌ها، پیرامون خان قابل مشاهده است.

هنوز وارد حیاط خان نخيله نشده بودیم که فهمیدیم این خان با خان‌های دیگر شباهت‌های فراوان دارد؛ اگر چه بیش از یک خان نیست. همچنین نشانه‌هایی از تعمیر و بازسازی هم در آن دیده می‌شد. شاید بتوان گفت بهترین و سالم‌ترین قسمت خان، بخش غربی آن بود. تعداد ایوان‌های سمت غربی به چهارده می‌رسید که میانشان ایوانی بزرگ خودنمایی می‌کرد و در دیواره‌های آن، آثار تعمیر و ترمیم به خوبی دیده می‌شد و از کند و کاری‌های هنری نیز خالی نبود.

اما ایوان‌های شمالی و جنوبی را نتوانستیم بشماریم؛ چرا که بیش تر آن‌ها خراب و ویران شده بود. در ضلع شرقی خان، دوازده ایوان دیده می‌شد که دروازه خان از وسط آن‌ها باز می‌شد و دو طرفش نردبان‌هایی وجود داشت برای رسیدن به حجره بالای دروازه و پشت بام. در وسط حیاط خان، حوضی از سیمان بود، ساخت آن به ظاهر پس از ساخت خود خان بود. برای جمع‌آوری آب لازم جهت ساخت و ساز و تعمیرات پیرامون خان را، رواق‌های آجری که بینشان ایوان‌های مقوقس قرار داشت، احاطه کرده بود که تعدادی از آن‌ها استراحتگاه زائران محسوب می‌شد و بعضی از



آن‌ها به کالاها و چهار پایان ایشان اختصاص داشت.

اکنون که سفر ما به خان‌ها پایان می‌یابد، لازم است از مدیریت آثار باستانی در نجف و کربلا درخواست کنیم که تمام تلاش و کوشش بی‌دریغ خود را برای احیای این آثار به کار گیرند؛ آثاری که گوشه‌هایی از تاریخ ما به شمار می‌آیند و برای گردشگران و زائران اهمیت خاص و ویژه دارند.^{۳۷}

۲۰. النجف الاشرف مدينة العلم والعمران، صص

۶۱ و ۶۲.

۲۱. پایگاه اینترنتی www.Irarer.dr.

۲۲. اعیان الشیعه، ج ۴۸، ص ۶۲.

۲۳. النجف الاشرف مدينة العلم والعمران،

ص ۳۰۹.

۲۴. اعیان الشیعه، ج ۴۸، ص ۱۴۱.

۲۵. حکیم، خان المصلی لوحة تاريخية فی العهد

العثماني الاخير، ص ۲.

۲۶. النجف الاشرف، مدينة العلم والعمران، ص ۶۲.

۲۷. خیاط، کربلا فی المراجع موسوعة العتبات،

ج ۱، ص ۳۰۵.

۲۸. حرز الدین، معارف الرجال، ج ۳، ص ۱۵۲.

۲۹. فی بلاد الرافدین، صص ۸۱ و ۸۳.

۳۰. پایگاه اینترنتی www.Irarer.dr.

۳۱. النجف الاشرف مدينة العلم والعمران، ص ۶۲.

۳۲. همان.

۳۳. همان.

۳۴. خان المصلی لوحة تاريخية من العهد العثماني

الأخير، ص ۲.

۳۵. محبوبه، ماضی النجف و حاضرها، ج ۱، ص ۲۷۳.

۳۶. دجیلی، الدرر البهية فی انساب قبائل النجف

العربية، ج ۱، ص ۵۶.

۳۷. مندرج در مجله بنایع.

پی‌نوشت:

۱. ارجان شهری است در سرزمین فارس.

۲. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۲۴۳.

۳. قانصوه، ما بعد کربلا، ص ۸۸.

۴. اعلمی، دائرة المعارف الشیعه، ج ۹، ص ۴۹.

۵. لسان العرب، ج ۱۳، ص ۱۴۶.

۶. کامل الزیارات، ص ۲۵۳.

۷. طریحی، النجف الاشرف مدينة العلم والعمران،

صص ۶۱ و ۶۲.

۸. واموسیل، الفرات الأوسط، ص ۶۳.

۹. النجف الأشرف مدينة العلم والعمران، صص

۶۱ و ۶۲.

۱۰. لیدی دراور، فی بلاد الرافدین، ص ۸۱.

۱۱. النجف الاشرف مدينة العلم والعمران، ص ۳۰۸.

۱۲. اسدی، ثورة النجف، ص ۴۸.

۱۳. النجف الاشرف مدينة العلم والعمران، ص ۶۱.

۱۴. فی بلاد الرافدین، ص ۸۲.

۱۵. النجف الاشرف مدينة العلم والعمران،

ص ۳۰۹.

۱۶. ثورة النجف، ص ۴۷.

۱۷. حلّی، سحر بابل و سجع البابل، صص ۳۱۵-۳۱۳.

۱۸. الفرات الأوسط، ص ۶۳.

۱۹. حکیم، خان المصلی لوحة تاريخية فی العهد

العثماني الحديث.